



فیلسوفی که درخواست شاه عباس صفوی را رد کرد

شاه عباس صفوی در نامه‌ای فیض کاشانی را برای تصدی شیخ‌الاسلامی اصفهان دعوت کرد و وی را بسیار ستود، ولی فیض دعوت سلطان صفوی را نپذیرفت و در همان کاشان به تدریس و تألیف پرداخت.

شاه عباس صفوی در نامه‌ای فیض کاشانی را برای تصدی شیخ‌الاسلامی اصفهان دعوت کرد و وی را بسیار ستود، ولی فیض دعوت سلطان صفوی را نپذیرفت و در همان کاشان به تدریس و تألیف پرداخت.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، محمد بن شاه مرتضی معروف به ملامحسن فیض کاشانی متولد ماه صفر سال 1007 هجری و متوفی سال 1091 هجری است و در کاشان متولد شد.

خانواده وی اهل علم و معرفت بوده‌اند. جد او علامه تاج‌الدین شاه محمود بن علی کاشانی، حکیم متأله، عارف، شاعر و متخلص به «فقیر» بود که از مشاهیر کاشان و مدفون در همانجا است. پدرش هم فقیه اصولی، ادیب و مفسر بود. فرزندش هم مولی محمد، معروف به علم‌الهدی، صاحب آثار مختلف در رشته‌های گوناگون است. بیش از هفتاد اثر از علم‌الهدی به یادگار مانده است.

فیض چند سالی را در قم گذراند سپس به شیراز رفت و در درس شیخ بهایی و ملاصدرا حاضر شد و از محضر میرداماد نیز کسب فیض کرد. ملاصدرا او و ملا عبدالرزاق لاهیجی را به عنوان داماد خویش برگزید و لقب «فیض» را به وی و «فیاض» را به لاهیجی داد.

مرحوم فیض یکی از برجستگان بزرگ حکمت مشاء، حکمت اشراق، عرفان نظری، عرفان عملی، فقه، حدیث، رجال، تفسیر و اخلاق به سبک حکما و عرفا است. وی یکی از پرکارترین علمای شیعه است که در رشته‌های مختلف قلم زده و آنچه به رشته تحریر درآورده، دقیق و نفیس است.

او در عصر خود مشهور و مورد احترام فضلا و دانشمندان بود. شاه عباس صفوی در نامه‌ای که برای فیض جهت تصدی شیخ‌الاسلامی اصفهان نوشته بود، وی را بسیار ستود ولی فیض دعوت سلطان صفوی را نپذیرفت و معذرت خواست و در همان شهر کاشان به تدریس و تألیف اشتغال داشت تا اینکه دعوت حق را لبیک گفت.

فیض علاوه بر مقامات علمی، از زهاد و عباد عصر خویش بود و قبر او در کاشان مورد توجه خاص و عام است. مرحوم فیض صرف نظر از فلسفه و عرفان، در فقه و اصول نیز تبحر خاصی داشت که نمونه آن وافی است که جامع کتب اربعه است. مشایخ وی عبارت‌اند از: پدر او، شاه مرتضی، سید ماجد بحرانی، شیخ بهاء‌الدین عاملی، ملاصدرا، میرداماد، شیخ محمد بن شیخ حسن بن شهید ثانی، ملا خلیل قزوینی، ملا محمد طاهر قمی، ملا محمد صالح مازندرانی، قاضی سعید قمی و ...

*شخصیت

شیخ حر عاملی، دانشمند معاصر وی می‌گوید: فیض کاشانی مردی حکیم، متکلم، محدث، فقیه، محقق، شاعر، ادیب و از معاصرین است و تألیفات خوبی دارد. سید نعمت‌الله جزایری، شاگرد فیض درباره او می‌گوید: استاد محقق ما ملامحسن کاشانی صاحب وافی و غیر آن است و قریب به دویست کتاب تألیف کرده است.

علامه امینی در الغذیر ضمن نقل احوال علم‌الهدی، فرزند فیض می‌گوید: او فرزند کسی است که علمدار فقه، پرچمدار حدیث، مشعل‌دار فلسفه، گنجینه عرفان، کوه عظیم اخلاق و امواج خروشان علم و معرفت است.

*تألیفات

برخی آثار وی را تا دویست اثر ذکر کرده‌اند، در مقدمه وافی طبع جدید، صد و چهل و چهار اثر وی فهرست شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

آب زلال، آینه شاهی، آداب السالکین، اصفی و صافی، اصول المعارف، الفت نامه، امالی، امکان وجود، الجبر و الاختیار، الحق

*تصوف و عرفان

بدون شک بعضی از آثار فیض براساس تصوف و عرفان است، همانند کلمات مکنونه و محجة البیضاء که تلخیص احیاء علوم الدین غزالی است، ولی صاحب روضات در شرح حال فیض می‌نویسد: علامه فیض در اواخر عمر خود رساله‌ای تصنیف کرد و نام آن را انصاف گذاشت. در این کتاب به صوفیان سخت حمله کرده و از لغزش‌هایی که در ایام جوانی برایشان پیش آمده بود، بسیار متأثر است.

*فلسفه

او همانند متقدمین از فلاسفه اسلامی، فارابی، بوعلی و استادش ملاصدرا در صدد جمع بین حکمت، عرفان و قرآن بود و این که برهان، عرفان و قرآن با هم تضادی ندارند. فیض مثل استاد خود معتقد است که سهم حکمای اشراق و مشاء در کثیری از مباحث، به خصوص در مباحث مربوط به عوالم نفوس بعد از موت و خودشناسی چندان زیاد و با اهمیت نیست.